



بعد از تئاتر ژان والژان، در افتتاحیه المپیک غرب آسیا هم از مهدی فتحی دعوت کردم نقش فردوسی را بر عهده بگیرد و در هفت خان رستم که در سالن ۱۲ هزار نفری استادיום آزادی روی صحنه رفت، ایشان این نقش را به زیبایی ایفا کرد؛ اما بعد از آن دیگر آقای فتحی وارد دنیای سینما و تلویزیون شد و کار تئاتری هم که انجام دادند با من نبود و من دیگر از ایشان تا زمانی که خبر فوت شان را شنیدم به صورت دورادور در ارتباط و جریان زندگی اش بودم

فاجعه

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۲۳ اسفند ۹۹ شماره ۷۴۷

چشم انداز

۳

بهر روز غریب پور، کارگردان تئاتر ماندگار بینوایان
از خاطراتش با مهدی فتحی می گوید

تلاش برای بیدار کردن استعداد خفته

ژان والژان یکی از نقش های ماندگاری است که مهدی فتحی از خود باقی گذاشته است. بازیگر توانمندی که بعد از انقلاب تا حدودی کم کار شده بود اما توانست با بازی در چنین نقش هایی بار دیگر به روزهای اوج خود برگردد. بهروز غریب پور با توجه به شناختی که از این بازیگر حرفه ای داشت به خوبی توانست ژان والژان را در درون مهدی فتحی کشف کند و با وجود گزینه های بسیاری که پیش رو داشت و بازیگران توانمندی را می توانست در قالب ژان والژان بگنجاند تصمیم گرفت تا این نقش بزرگ و سنگین را به کسی جز مهدی فتحی ندهد و اتفاقاً یکی از بهترین انتخاب های دوران کاری خود را توانست در کارنامه اش به ثبت برساند. موضوعی که بسیاری از بزرگان تئاتر بر آن تاکید داشتند که با وجود اجرا شدن بارها و بارهای بینوایان روی صحنه تئاتر، این بازی یکی از بی نظیرترین بازی هایی بوده که به چشم دیده اند.

آزاده باقری
روزنامه نگار

نکردی رنجیدم؛ اما امشب اجرا را دیدم متوجه شدم نمی توانستم سه ساعت و نیم مانند مهدی فتحی یک نفس آن هم به این خوبی روی صحنه باشم. بسیاری با دیدن این تئاتر بازی آقای فتحی و دیگران بازیگران را تحسین کردند و زمان مقایسه با دیگر بازی ها قابل تقدیر بودند. اما نکته ای که مجبورم یادآوری کنم برای احیای قدرت فتحی واقعا اذیت شدم. برای آن که وقتی با او کار می کردم حتی امید به زندگی و کار را از دست داده بود و مجبور بودم از هر شیوه ای برای برگشت او استفاده کنم. حتی یک بار ایشان را مورد شتمات قرار دادم که دخترت مهرگان که برای اولین بار روی صحنه می آید، از تو پیشی گرفته است و نقش کوزت خردسال را خیلی خوب بازی می کند؛ اما تو چطور می خواهی ژان والژان را بازی کنی. این کارها را کردم تا به روزهای اوج خود برگردد که اتفاقاً خوب هم به نتیجه رسید. آقای فتحی نکته فوق العاده ای که داشت اهل مطالعه بود و به او کمک کرد تا بتواند به روزهای قبل خود برگردد. من قبل از هر تمرین بیش از دو ساعت با او به گفت و گو می پرداختم تلاشم بر این بود بتواند به نقشی که می خواهیم برسد. و این کمک کرد فتحی نقش ماندگار و جاودانش را ایفا کند.

دعوت به کار کنم و مدت ها تمرین کردیم تا بتواند به نقطه ای برسد که به خوبی توانمندی خود را در نقش به نمایش بگذارد؛ مخصوصاً که پارتنر بسیار محکمی همچون بهزاد فراهانی داشت که نقش بازرس ژاور را بازی می کرد. این دو به یک چالش بسیار زیبایی رقابتی دست پیدا کردند و هر دو در نهایت قدرت توانستند این دو نقش ماندگار را از خود به یادگار بگذارند.

شما از آقای فتحی یکی از به یادماندنی ترین نقش ها را خلق کردید با آن که اشاره کردید به دلیل دوری از صحنه برخی توانایی های شان را از دست داده بود. شما چه کار کردید که توانستید استعداد خفته درون مهدی فتحی را مجدداً بیدار کنید؟

خیلی از منتقدان مانند دکتر هوشنگ کاووسی، نصرت کریمی و عزت... انتظامی بودند که بعد از دیدن تئاتر نظرشان تغییر کرد. یاد می آید از آقای انتظامی هم برای نقش کوچکی در این تئاتر دعوت به کار کرده بودم که به ایشان برخورد بود و می گفت چرا نقش ژان والژان را به او پیشنهاد نکرده ام. تا این که وقتی وصف این تئاتر را شنیده بود یک شب آمد و بعد از دیدن بازی فتحی پیش من آمد و بازی فتحی را تحسین و بابت انتقادش از من عذرخواهی کرد و گفت از این که به من نقش ژان والژان را پیشنهاد

را به دفترم دعوت کنند و این دعوت باعث شد ملاقاتی از نزدیک با ایشان داشته باشم. هر چند آن زمان کاری در دست نداشتم تا از مرحوم فتحی دعوت به کار کنم اما نقطه شروعی بود برای آن که دیدارها تکرار شود.

دیداری باعث شد تا یکی از گزینه های اصلی شما برای تئاتر بینوایان باشد؟

بله، تا سال ۱۳۷۳ که تصمیم گرفتم نمایشنامه بینوایان را بنویسم و روی صحنه بیاورم. در گزینه هایم برای بازی نقش ژان والژان افراد مختلفی از جمله داوود رشیدی بود که ناگهان مهدی فتحی به ذهنم آمد و احساس کردم او می تواند این نقش را به خوبی ایفا کند؛ در صورتی که ایشان سال ها بود روی صحنه نیامده بود و همین دوری او از صحنه باعث شده بود برخی از ویژگی های بازیگری از جمله حافظه را از دست بدهد. من تمام کوشش و نهیبم به مهدی فتحی این بود تا بتواند مجدد خودش را احیا کند. ماجرای مرگ همسرش هم در همین زمان ها رخ داده بود و با دیگر مشکلات دست به دست هم داده بود تا مهدی فتحی مانند گذشته خود نباشد. با این حال تصمیم خودم را گرفته بودم و از خودش برای نقش ژان والژان و از دخترش برای بازی در نقش کوزت

آقای غریب پور چطور شد که مرحوم مهدی فتحی را برای نقش ژان والژان انتخاب کردید؟ شروع آشنایی و همکاری شما با ایشان به چه صورت بود؟

مرحوم مهدی فتحی را دورادور می شناختم اما ایشان را برای نخستین بار روی صحنه در نمایش های دو پرده ای «خرس و خواستگاری» نوشته آنتوان چخوف و کارگردانی مهین اسکویی دیدم. بازی کمیک فوق العاده و مسلطی داشت. ایشان را در نمایش «در اعماق» نوشته ماکسیم گورکی نیز دیده بودم که البته این نمایش ها مربوط به قبل از انقلاب می شود. بعد از انقلاب هم می دانستم که آقای فتحی تسلط خوبی بر بازی و بازیگری دارند و برایم قابل ستایش بود. اما بعد از انقلاب وقتی به ایران برگشتم، مدتی از حال و روز دوستان تئاتری به دور بودم و چون آن زمان ها موبایل و وسایل ارتباطی دیگر نبود از بسیاری از جمله آقای فتحی بی خبر بودم، تا این که مدیر مرکز تئاتر عروسی شدم. آن زمان همکاری داشتم به نام حمید عبدالملکی و یک روز به من گفت آقای فتحی روزها در پارک غم زده می نشیند چون شرایط کاری اش مناسب نیست. من از آقای عبدالملکی خواستم ایشان

مجوز حمل اسلحه تک لول ته پر
کوسه ساجمه زنی ساخت ایران به شماره
۰۱۲۳۰۶۳۰۱ ساخت ایران متعلق به آقای
زین العابدین سیفی مفقود گردیده و از درجه
اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پژو ۲۰۵ GLX
مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره ای متالیک شماره
انتظامی ایران ۱۳-۴۲۴ ل ۴۶ شماره موتور
12486034777 شماره شاسی 40316807
بنام احمد جان نثاری لادانی مفقود گردیده
و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک ماشین خودرو پیکان وانت مدل ۱۳۸۸
رنگ: سفید شماره پلاک ایران ۳۸-۲۶۴ ۴۱
شماره موتور 11487096918 شماره شاسی
NAAA36AA89G833201 به نام اکرم عباسی
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند و فاکتور فروش خودرو (ایران خودرو) سواری
هاج یک پژو ۲۰۰۸ مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید
روغنی به شماره انتظامی ایران ۱۳-۲۲۸۶۲۲
شماره موتور 10FJCE2378542 شماره شاسی
NAAG1C231LD060107 بنام بهنام
اباژری گیسفا مفقود و فاقد اعتبار می باشد.